

مفتی‌ها

ویژه نامه مراسم چهلم شهید سید حسن نصر الله و شهدای ضاحیه | کاری از انجمن علمی نخبگان دانشگاه شهید مطهری | ۱۵ آبان ۱۴۰۳



برابر این باند جنایتکار وحدت داشته باشند تا با تهاجماتی که دولت نامشروع اسرائیل دارد مقابله کنند. وحدت به این صورت است که روسای دولت های اسلامی مذاکره کنند. مثل اینکه وزیر خارجه دولت ما به کشور های مسلمان سفر کرد تا کشور های مسلمان وحدت سیاسی و قدرت پیدا کنند و احتیاط و ترس را کنار بگذارند. نکته دیگر در تنگنا قرار دادن اسرائیل است. دولت های مسلمان نباید اجازه دهند که کالا به اسرائیل وارد شود چه از راه زمینی و چه از راه دریایی و هوایی. چگونه دولت یمن با آن شرایط سخت تمام قد در کنار ملت فلسطین ایستاده است و حمایت میکند. اصولا جبهه مقاومت در تمام کشور های اسلامی می‌تواند جلوی هجوم به فلسطینیان مظلوم را بگیرد. جا دارد که دولت ها، همانگونه که مردم در این مسئله یکدست شدند آنها نیز یکدست شوند تا انشالله این غده سرطانی از کره خاکی محو شود.

آن را قرین جهاد فی سبیل الله قرار داده و فرموده مالکم لاتقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال والنسا والولدان پس چه عمل صالحی برتر از آنچه همنشین با جهاد فی سبیل الله در کلام الهی گردیده که همانا تلاش برای نابودی جنایات صهیونیزم است.

مصاحبه مکتوب با حجت الاسلام و المسلمین دکتر چیت ساریان مدیر گروه فقه و حقوق خصوصی دانشگاه شهید مطهری آیا وحدت امت اسلامی علیه اسرائیل امری لازم و شرعی است؟

قرآن کریم در مورد وحدت بین مسلمانان می‌فرماید: ان هذه امتکم امه واحده و نیز می‌فرماید: واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا. از مهم ترین مواردی که در زمان حاضر لازم است تا مسلمین وحدت کافی داشته باشند مسئله فلسطین است. لازم همه مسلمین شیعه و سنی در

حجت الاسلام و المسلمین دکتر رسایی مدیر گروه فقه و حقوق جزا دانشگاه شهید مطهری ومالکم لاتقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال والنسا والولدان الذین قالوا ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلهما

فلسفه جهاد برچیدن بساط ظلم و ظالمان است بنابراین توصیه امیرالمومنین ع به خصومت با ظالم است بدون هیچ قید و شرطی با ستم باید مبارزه کرد حتی اگر ستمگر به ظاهر مسلمان باشد چنانچه امام حسین ع عمل کرد، ملاک و تنها ملاک، ستیز با اهل جور است. این در حالی است که در زمان فعلی رژیم منحوس اسرائیل با جنایت بر فلسطینیان و نسل کشی آنان مصداق بارز ظلم بر نوع بشر است بنابراین تمام فلسفه ی جهاد علیه او محقق می باشد. در آیه شریفه خداوند متعال به دلیل اهمیتی که به امر جهاد در راه مبارزه با ستمگران بر زنان و مردان و کودکان مظلوم داشته



چهارمین مرحله پویش «ایران همدل» پویش کمک به مردم مظلوم فلسطین و لبنان

سر دبیر: محمد سالاری
مدیر اجرایی: فاطمه سادات اشرف آل طه
طراح و صفحه آرا: سیده رویا حسینی
هیئت تحریریه:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر رسایی، حجت الاسلام والمسلمین دکتر چیت ساریان سید علی میرلوحی، فاطمه اکبری، محمد سالاری، فاطمه سادات اشرف آل طه، زهرا هنروران، فاطمه آشتیانی، سیده معصومه فقیه

مبارزه با تروریسم و منع کشتن غافلگیرانه

سید علی میر لوحی



دانشجو و طلبه دوره دکتری فقه و حقوق خصوصی

واژه ترور از اصطلاحات جدیدی است که معمولاً به معنی ترساندن و تهدید اشخاص به کار می‌رود و به معنی قتل سیاسی هم تعریف شده است. در ادبیات عربی معاصر معادل ارهاب و اغتیال آمده است. اختلاف در تفسیر ترور و تروریسم در حقیقت ناشی از آن است که معمولاً با انجام یک یا چند قتل سیاسی موجی از وحشت و خشونت امنیت جامعه و یا اشخاص را تهدید و به مخاطره می‌افکند. استفاده از چنین ابزاری و اشاعه ابعاد آن از طریق رسانه یکی از راهکارهای مؤثر و ناجوانمردانه دشمن مستکبر در قبال جبهه حق است و یادداشت پیشرو در نظر دارد این مسئله پاسخ دهد که مبنای مبارزه و عدم استفاده از این ابزار مؤثر چیست؛ شایان ذکر است وجوب نگاه داشتن حرمت انسان کلی است و نهی از شکستن آن شامل ترور و غیر آن مثل قتل آشکارا، شکنجه، اذیت و آزار انسان به هر شکل ممکن می‌شود. البته به طور خاص نیز در برخی روایات، از فتک، غیله و غدر نهی شده است که بنا بر اختصار به مهم‌ترین آنها اشاره شده و سپس به توجیه رویکرد سازمان‌های آزادی‌بخش و مبارز باوجود چنین دیدگاهی پرداخته می‌شود.





❖ قاعده ان الاسلام قید الفتک

فتک به معنی قتل غافلگیرانه عمل ناچوانمردانه‌ای است که شایسته اسلام و مسلمان نیست و در اسلام تحریم شده حتی اگر قتل به‌عنوان دفاع مشروع مجاز هم باشد انجام آن به‌صورت غافلگیرانه که یکی از مصادیق ترور است، ممنوع شمرده شده است. در کلام امیر مؤمنان آمده است: «و الله لولا ان الإسلام قید الفتک لندکذکت جنادل صخر یسمع اصطکاکها من المحلّ العلی» به خدا سوگند اگر نبود که اسلام راه فتک را بسته هر آینه صخرها و تخته سنگ‌ها چنان به هم می‌خوردند و متلاشی می‌شدند که صدای برهم‌خوردن آن‌ها از جایگاه مرتفع شنیده می‌شد و نیز در حدیثی از امام صادق (ع) جمله: «ان الاسلام قید الفتک» مورد تأکید قرار گرفته است. در تاریخ نهضت حسینی مشاهده می‌کنیم هنگامی که سرسخت‌ترین دشمن امام حسین در دام می‌افتد و از مسلم بن عقیل نماینده امام خواسته می‌شود از فرصت استفاده کرده و ابن زیاد را غافلگیر و به قتل برساند او ممانعت می‌کند و به استناد ان الاسلام قید الفتک از کشتن ابن زیاد خودداری می‌ورزد. در برخی روایات آمده است: ان الايمان قید الفتک و لا یفتک مؤمن ایمان فتک را منع کرده است و مؤمن هرگز مرتکب فتک نمی‌شود کلمه قید در هر دو مورد الاسلام قید الفتک و الايمان قید الفتک به معنی آن است که اسلام و ایمان مانع اقدام فتک است و ارتکاب به فتک میسر نیست مگر با شکستن اسلام و ایمان و خروج از آن دو این تعبیر شفاف در بیان میزان حرمت فتک در اسلام و اهتمام شرع در ریشه‌کن کردن این جرم که موجب سلب امنیت در جامعه می‌شود تردیدی به‌جای نمی‌گذارد که اسلام به هر نحو ممکن در صدد مبارزه با این جرم است و نیز مبین این حقیقت است که مبارزه با تروریسم صرفاً یک طرح شکلی و حتی یک سلسله عملیات ضربتی موقت نیست؛ بلکه یک حکم دائمی فرا مصلحتی و حاکم بر احکام اولیه ضروری مانند جهاد و دفاع است. علاوه بر تعابیر مزبور، از برخی دیگر از روایات و نیز عبارات فقها در خصوص آداب جهاد، فهمیده می‌شود که روح اسلام با ترور مخالف است؛ مثلاً، برخی از فقها تصریح کرده‌اند که ریختن سم در آب کفار جایز نیست: «لا یجوز ان یلقى السم فی بلادهم» از این عبارت، به‌خوبی استفاده می‌شود که از بین بردن دشمن از هر راه ممکن که خلاف مروت و جوان مردی باشد، جایز نیست که یکی از آن راه‌ها

«ترور» است. فقهای شیعه هجوم (اغاره) در شب حتی در زمان جنگ را نیز مکروه می‌دانند. مرحوم صاحب جواهر این مسئله را از الارشاد، نهاییه، مختصر النافع، قواعد، تحریر، تذکره، منتهی، دروس و روضه نقل کرده است. سیره پیامبر اکرم (ص) چنین بود که هیچ‌گاه شب بر دشمن هجوم نمی‌برد.

❖ مبانی رویکرد جبهه مقاومت و سازمان‌های آزادی‌بخش

گروه‌ها، سازمان‌ها و دولت‌هایی که برای به‌دست‌آوردن حق تعیین سرنوشت و رهایی از اشغال نظامی استعمار و سلطه اجانب راهی جز مبارزات مسلحانه ندارند از دیدگاه اسلام مشمول مشروعیت جهاد دفاعی هستند و هیچ‌کدام از عناوین تروریستی در مورد آنها صادق نیست. به‌عبارت‌دیگر این نوع عملیات مسلحانه تحت عناوین عملیات جنگ قابل‌بررسی است و از دیدگاه اسلام جنگ به عملیات نظامی دولت‌ها اختصاص ندارد و هر ملت گروه و سازمانی می‌تواند برای رسیدن به حکومت خودمختار قانونی با دولتی که سرزده آنها را اشغال کرده با کشورشان را تحت سلطه قرار داده بجنگند. تفاوت این گروه‌های آزادی‌بخش با بغات آن است که بغات علیه یک دولت قانونی به مبارزه مسلحانه می‌پردازند درحالی‌که نهضت‌های رهایی‌بخش با دولت‌ها و سازمان‌های اشغالگر و بیگانه مبارزه می‌کنند. متأسفانه تعریفی که از جنگ در مخاصمات مسلحانه ارائه می‌شود به‌گونه‌ای است که جنگ را مخصوص درگیری مسلحانه بین دولت‌ها قلمداد می‌کند و عملیات نظامی مبارزات رهایی‌بخش را به سمت عملیات تروریستی سوق می‌دهد. باین‌همه اقدامات بین‌المللی در حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش سرانجام در دهه هفتاد به ثمر نشست و ماده اول پروتکل ژنو در این دهه کلیه درگیری‌هایی را که نهضت‌های آزادی‌بخش یا ملت‌ها با دولت‌های بیگانه اشغالگر یا نژادپرست دارند در حکم مخاصمات بین‌المللی به شمار آورده و مورد حمایت کنوانسیون‌های ژنو در خصوص آثار جنگ دانسته است و بدین ترتیب افرادی که در درگیری‌های رهایی‌بخش دستگیر می‌شوند به‌عنوان یاعی شورشی و تروریست تلقی نشده و از حمایت‌های پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون‌های ژنو به‌ویژه حقوق اسرای جنگی برخوردار خواهند به‌رحال به لحاظ فقهی کلیه موارد

حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه رزمندگان عملیات نظامی نهضت‌های رهایی‌بخش را نیز شامل می‌شود و باید آنان مورد حمایت بین‌المللی قرار گیرند.

❖ هدف جهاد در اسلام

اصولاً در جهاد پیروزی هدف نهایی نیست. تعبیر در اکثر آیات جهاد یجاهدون بانفسهم است و جهاد با نفس یعنی جان‌برکف جنگیدن و مجاهد کسی است که جان خود را برکف گرفته و در راه دفاع در برابر دشمن استقامت می‌ورزد تا دفاع به ثمر بنشیند چه رزمنده شاهد پیروزی کامل یا نسبی عملیات جهادی خود باشد و یا با به‌شهادت‌رسیدن خود پیروزی‌ها را به نسل‌های بعدی تقدیم کند.

هدف در جهاد آن است که غزوات نبی اکرم (ص) و حماسه کربلا که به‌ظاهر پیروزی نظامی میسر نشد، زیر سؤال می‌رود و در شرایط کنونی که عمدتاً ادوات نظامی در اختیار مهاجمان مستکبران متعدیان و سلطه‌گران اشغالگر است، باید باب جهاد را مسدود کرد و حکم جهاد را معطل دانست؛ درحالی‌که در صدر اسلام نیز این شرایط به نحوی وجود داشته است و همان شرایط اما در شمایلی دیگر امروز در اراضی اشغالی رژیم غاصب را در برابر فلسطینی‌های مبارز به‌وضوح می‌بینیم، حتی بیش از تمامی ارتش‌های عرب از این تعداد معدود فلسطینی‌های جان‌برکف هراس دارد می‌گویند در این عملیات کودکان زنان سالخوردگان و افراد غیرنظامی کشته می‌شوند. در پاسخ باید گفت مگر دشمن غاصب چه کسانی را می‌کشد جز اطفال زنان سالخوردگان و افراد غیرنظامی؟ هواپیماهای نظامی اسرائیل رژیم اشغالگر قدس کجا را می‌زنند و چه کسانی را هدف قرار می‌دهند؟ امر قرآن به فاعْتَدُوا عَلَیْهِ بمثل ما اَعْتَدَ عَلَیْکُمْ چگونه باید عمل شود؟ بیگمان هدف اصلی رزمندگانی که دست به عملیات استشهادی می‌زنند کشتن بچه‌ها و زنان و امثال آنها نیست. کشته‌شدن این بی‌گناهان به‌مثابه کشته‌شدن قربانیان بی‌گناه عملیات هواپیمای مدرن نظامی اسرائیل است که ادعا می‌شود در هدف‌گیری مرتکب اشتباه شده‌اند. اسرائیل می‌خواهد با غرش هواپیمای بمب‌افکن خود فلسطینیان بی‌پناه را بترساند و مبارز فلسطینی با منفجرکردن خود می‌خواهد صدای مظلومیت یک ملت آواره را به گوش جهانیان برساند و لذا می‌توان گفت جهاد با هر ابزاری مصداق بارز آیه شریفه و مطابق امر مقام معظم رهبری یک فریضه الهی است.



مردم غزه، مبارزان غزه، مثل صخره، مثل کوه، ایستاده‌اند؛ این چیز مهمی است. آب نمیرسد، غذا نمی‌رسد، دارو نمیرسد، سوخت نمیرسد-آب نمیرسد!- [أما] ایستاده‌اند و تسلیم نمیشوند؛ خیلی مهم است. همین تسلیم نشدن آنها را پیروز می‌کند، کما اینکه نشانه‌های پیروزی امروز دیده میشود. إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ (۱) خدا با صبرکنندگان است. رژیم صهیونیست، با آن همه تجهیزات، با آن همه امکانات، در مقابل مبارزان فلسطینی - که تقریباً میشود گفت تجهیزاتشان قابل مقایسه‌ی با تجهیزات رژیم صهیونیستی نیست - ناتوان مانده. شنیدید، بخشهای مهم و فعال لشکر خودش را از میدان خارج کرد، چون دیده نمیتواند کاری بکند و فقط تلفات تحمل میکند؛ اینها مهم است، اینها پدیده‌های بی‌ظنیری است. (۱۴۰۲/۱۰/۰۲)

مواجهه انسان با شرور اخلاقی پلی بین نیهیلیسم و تعالی

فاطمه اکبری



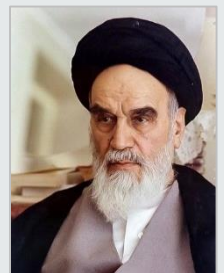
دانشجوی دکتری کلام اسلامی

پدیداری گویا چنین نیست زیرا افرادی را می‌بینیم که در پس مواجهه با آنچه ما شر می‌پنداریم چنان تفسیر زینب واری^۲ از رنج‌ها و مصیبت‌ها دارند که خدا را شاکر هستند و «حسبنا الله و نعم الوکیل»^۳ بر زبانشان جاری است. آموزه‌های اسلامی سبب شده است که حقایق در نظر این افراد به روشنی نمایان باشد. امید به وعده‌های الهی در آیات قرآن که بشارت بر صابران می‌دهد^۴ و امید بازگشت به سوی الله^۵ و زندگی جاودانه حقایقی است که حتی فجیع‌ترین نمونه شر را در جهت رسیدن به کمال و تعالی به کار برده‌اند.

وجود شرور اخلاقی و چگونگی تبیین و مواجهه با آن از مسائل مهم اعتقادی و فلسفی در انسان است که معنای زندگی را با چالشی بزرگ مواجه می‌کند، که آیا زندگی با وجود تمام این رنج‌ها ارزش زیستن دارد؟ با چه تبیینی از آن انسان می‌تواند امیدوارانه به زندگی ادامه دهد؟ فجیع‌ترین نمونه‌های شرور اخلاقی را در حوادث امروزه‌ی غزه و لبنان شاهد هستیم. چه عاملی سبب می‌شود که این‌چنین در برابر رنج‌ها و مصیبت‌ها مقاوم بود؟

بنابراین تفسیر اولیه ما از این حوادث دستخوش تغییر می‌شود و چون این رنج‌ها در جهت کمال و تعالی به کار گرفته می‌شود بنابراین فجیع‌ترین نمونه از شرور برای این افراد نه تنها پوچی و بی‌معنایی را به دنبال نداشته است بلکه آنها را هر روز مقاوم تر و سرسخت تر کرده است. تعبیر جالب ویکتور فرانکل این است که شیوه‌ی تحمل رنج‌ها و آزادی معنوی می‌تواند زندگی افراد را معنادار و هدفمند کند. این لذت‌ها نیستند که به زندگی معنا می‌بخشند بلکه در رنج نیز معنایی وجود دارد و بدون رنج و مرگ زندگی انسان‌ها کامل نمی‌شود.^۶

شاید بتوانیم با واکاوی در معنای «خیر و شر» به پاسخ خود دست یابیم. طبق تفسیر ابن‌سینا خیر یعنی رسیدن به کمالی که در استعداد و قوه هر چیزی نهفته و ملائم طبع آن است. بوعلی، خیر قوه‌ی عاقله‌ی انسانی را نیز رسیدن به حقایق می‌داند که اگر انسان به آن حقایق دست یابد به کمال قوه‌ی عاقله انسانی رسیده است. بنابراین هر عاملی که ملائم طبع و استعداد انسان نباشد و مانعی در رسیدن به حقایق باشد شر محسوب می‌شود.^۱ در نگاه اول حوادث امروزه در غزه و لبنان از نظر انسان مصداقی از شر را نشان می‌دهد اما از نظر پدیداری



من از سالهای طولانی راجع به اسرائیل و راجع به جنایات او همیشه در خطبه‌ها، در نوشته‌ها، گوشزد کرده‌ام به مسلمین که این غده سرطانی است در یک گوشه ممالک اسلامی، و اینطور نیست که

اکتفا بکند به همان «قدس» و اینها، اینها بنایشان بر این است که پیش بروند؛ یعنی اینها تابع سیاست امریکا هستند. امریکا هم آمالش فقط یکجا نیست، چنانچه همه ابرقدرتها می‌خواهند همه ممالک را تحت سیطره قرار بدهند.

محمد سالاری: من از سالهای طولانی راجع به اسرائیل و راجع به جنایات او همیشه در خطبه‌ها، در نوشته‌ها، گوشزد کرده‌ام به مسلمین که این یک غده سرطانی است در یک گوشه ممالک اسلامی، و اینطور نیست که اکتفا بکند به همان «قدس» و اینها، اینها بنایشان بر این است که پیش بروند؛ یعنی اینها تابع سیاست امریکا هستند. امریکا هم آمالش فقط یکجا نیست، چنانچه همه ابرقدرتها می‌خواهند همه ممالک را تحت سیطره قرار بدهند.

مسئله قدس یک مسئله شخصی نیست، و یک مسئله مخصوص به یک کشور و یا یک مسئله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه‌ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده، از روزی که مسجد الاقصی پی‌ریزی شد تا آنگاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است.

پاورقی:

۱- رجوع کنید به ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات ابن‌سینا (۱۳۶۳) نگارش حسن ملکشاهی، تهران، انتشارات سروش، جلد اول، صفحه ۴۱۷

۲- ما رأیتُ ألاً جمیلاً (به‌معنای «چیزی جز زیبایی ندیدم») جمله مشهور حضرت زینب(س) پس از واقعه عاشورا در پاسخ به عبیدالله بن زیاد است.

۳- یه ۱۷۳ سوره آل عمران

۴- «و لنبلوئنکم بشیء من الخوف والْجوع وَتَقص من الأموال والنفس والتمرات وَبشیر الصّابِرین» آیه ۱۵۵ سوره بقره

۵- «کل نفس ذائقة الموت وَتبلوئنم بالشرّ والخیر فتنةً وَاَلینا ترجعون» آیه ۳۵ سوره انبیاء

۶- رجوع کنید به انسان در جستجوی معنا اثر ویکتور فرانکل، ترجمه پروش آریان‌جو (۱۴۰۱) تهران، انتشارات شاهدخت پاییز، صفحه ۶۰



فاطمه سادات اشرف آل طه



دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق خانواده

"تربیت" به معنای بالفعل کردن استعدادها بالقوه^۱ و جهاد در اصطلاح شرع عبارت است از بذل جان، مال و توان خویش در راه اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر ایمان^۲. در واقع، جهاد در اسلام فراتر از نبرد نظامی بوده و به هرگونه کوشش در راه خدا و اجرای احکام اسلام اطلاق می‌شود^۳. بنابراین، تربیت نسل مجاهد به معنای پرورش افرادی است که در هر حوزه، تمام تلاش خود را در راه خدا و برای تحقق اهداف اسلامی به کار می‌گیرند. این افراد صرفاً مجاهدان در جبهه نیستند، بلکه می‌توانند دانشمندان، اساتید، پزشکان، مادران خانه‌دار و هر متخصص دیگری باشند که با دانش و مهارت یا حتی مال خود در خدمت اسلام و جامعه قرار گیرند.

و جوب جهاد در مقابل دشمنان، بر اساس نصوص و اجماع، یکی از ضروریات احکام اسلام است^۴. اما این تکلیف، مختص افراد بالغ بوده و به کودکان تعلق نمی‌گیرد^۵. با این حال، با توجه به نقش تعیین‌کننده تربیت در شکل‌گیری شخصیت افراد، تربیت کودکان با روحیه جهادی از اهمیت بالایی برخوردار است.

از منظر فقه تربیتی، پرورش نسل مجاهد، ریشه در آموزه‌های عمیق دینی و ضرورت‌های اجتماعی دارد. آیات و روایات بر اهمیت این موضوع دلالت می‌کنند.

آیه ششم سوره تحریم (آیه وقایه)^۶ با تأکید بر وجوب آموزش و پرورش در خانواده، زمینه‌ای را برای تربیت نسل مجاهد فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، اگر آموزش و پرورش در خانواده وظیفه‌ای عینی است، آموزش مبانی جهاد و تربیت نسل مجاهد نیز با توجه به وجوب جهاد، واجب تلقی می‌شود. همچنین روایات متعددی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) به اهمیت تربیت نظامی و آمادگی برای دفاع از اسلام اشاره دارند. مفاهیمی برگرفته از اهمیت

"سبق و رمایه"^۷ در روایات^۸، با الغای خصوصیت از مصادیق مذکور، بر ضرورت آموزش جهادی از سنین کودکی تأکید می‌کنند. این روایات نشان می‌دهند که تربیت مجاهد، صرفاً یک وظیفه فردی نیست، بلکه یک تکلیف اجتماعی و دینی است که از سوی معصومین (ع) مورد تأکید است.

به علاوه آیه ۶۵ سوره انفال^۹ و سیره عملی ائمه اطهار (ع)، به ویژه امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه^{۱۰}، بر اهمیت تحریک و تشویق مؤمنان به جهاد تأکید دارند.

از سوی دیگر، از باب احسان، اعانه بر نیکی و تعلیم باب خیر و هدایت که مورد توجه فقه اسلامی^{۱۱} بوده نیز می‌توان به رجحان و استحباب تربیت نسلی جهادگر پی برد.

با توجه به ادله ذکر شده، والدین، معلمان و حکومت اسلامی به عنوان مربیان اصلی جامعه، مسئولیت سنگینی بر دوش دارند. این افراد باید با بهره‌گیری از روش‌های تربیتی موثر، نسل جوان را با سعه صدر به سوی ارزش‌های جهادی سوق دهند. در این مسیر، پرهیز از روش‌های تربیتی نادرست و توجه به اصول اخلاقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

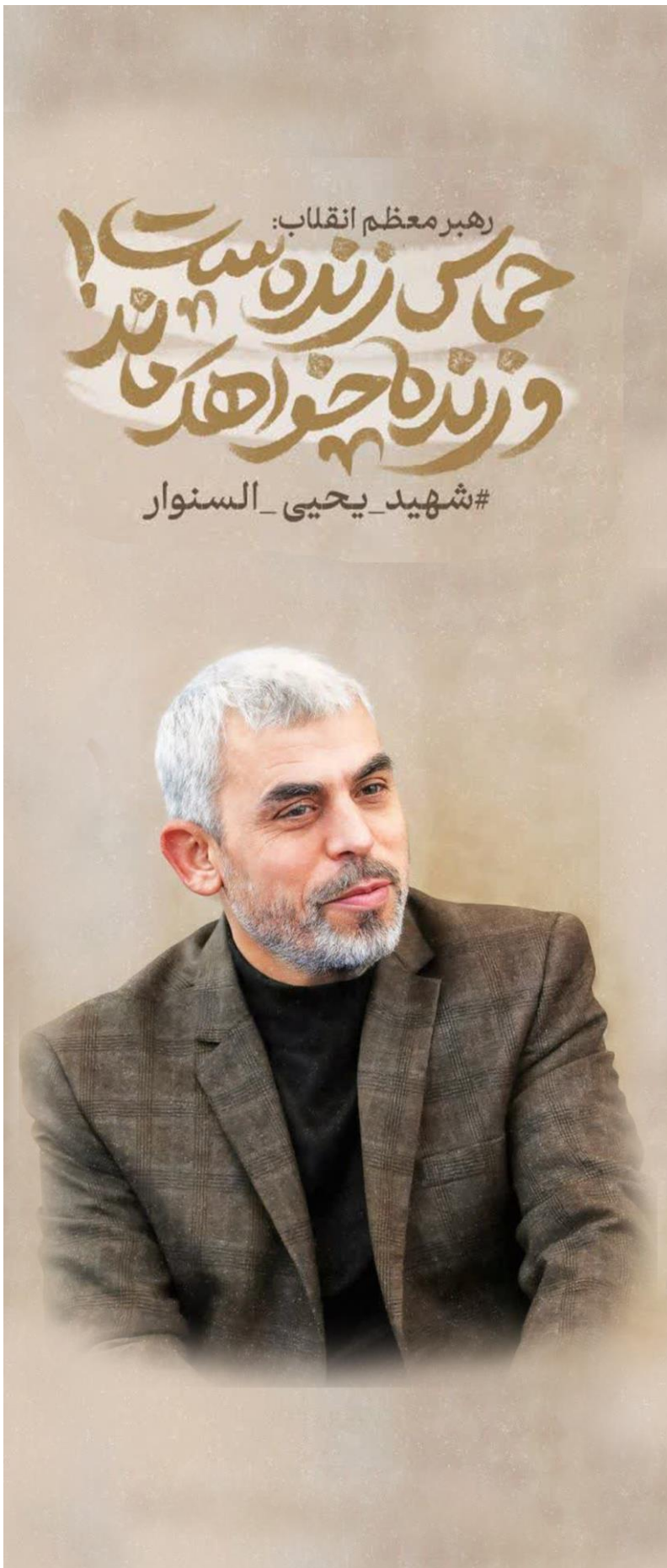
پاورقی:

- ۱- تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۵۶
- ۲- جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳
- ۳- تفسیرنمونه، ج ۱۴، ص ۱۸۱
- ۴- جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۸ و ۹
- ۵- همان، ص ۵
- ۶- قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا
- ۷- مانند روایت نبوی: (عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَالرَّمَايَةَ) - (الکافی، ج ۶، ص ۴۷)
- ۸- حَرْصُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ
- ۹- مانند خطبه ۲۴۱ در ترتیب مرحوم دشتی، ص ۳۳۹
- ۱۰- مانند حدیث: (الدال علی الخیر کفعله) (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷۳)

از مهد تا میدان

پرورش روحیه جهادی از منظر فقه تربیتی





زهرا هنروران



دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی

کار با یک یا لیتنی کنت معکم ختم نمی‌شود...

شهادت این مظهر مقاومت یک اندیشه است یا عمل؟

باید از خودمان بپرسیم میان خون و اندیشه چه چیزی نهفته

است که شایسته ترین انسان های هستی در هر عصر تاریخ

به خون خود غلتیده اند تا اندیشه ی خود را نشان دهند؟

مقاومت این اندیشه پاک و پاک کننده که هرکس جز با خورش

به آن نیندیشیده اکنون کارزار لبنان و غزه است و هر لحظه با

خبری از این دو معراج ارواح پاک ذهنم را درگیر می‌کند که

چرا خون هر فرد که می‌ریزد در دیگری می‌جوشد و به جای

خاموش شدن روشن میشود؟

براستی باید از خودمان در خلوصی از حقیقت بپرسیم که آیا ما

نیز چنین انسی با مرگ داریم؟

براستی میان مانده شدن و جاودانه شدن به کدام می‌اندیشیم؟

چه چیزی در مقاومت است که هرکس مرد میدانش شد

جاودانه می‌شود؟ مگر نه اینگونه است که اکنون

جاودانه تر از حسین ابن علی(ع) وجود ندارد؟ مگر دشمنانش

او را نکشتند تا خاموش شود پس چرا اینگونه جاودانه شد؟

حقیقت این است که فرزندان مقاومت هیچگاه طعمه مرگ

نیستند؛ آنها آنچنان با مرگ انیس شده اند که مشتاقانه

منتظرند مانند یحیی آنرا به آغوش بکشند.

و براستی که او یحیاست ...

زنده...

مانند اویی که خورش شد آغاز نصر الله...

حال شهادت، این نهایت آرزوی وارستگان میدان مقاومت ، را

به هرکس که بخواند یا لیتنی کنت معکم ندهند ،

قلبت نباید بوی دنیا بدهد ،

اگر بوی دنیا بدهد رهايت میکنند میگویند برو درد بکش،

پخته شو...

و این همان عرصه عمل و نظر است...

محل تلاقی عمل و نظر ...

خون و اندیشه

همیشه گمان میکردم که عمل و نظر دو مفهوم متواپی

هستند ...

جدا و مابین

عرصه عمل با نظر متفاوت است، ساحت عقل کجا

ساحت جسم کجا؟

ساحت مفاهیم کلی چچور بتواند مفهوم را عملی کند؟

فلسفه ، عقل و کلاس های درس همین را آموخته اند که از

مفهوم متواپی عمل و نظر چیزی جز این بر نمی آید

و نتیجه این است اگر اعتقاد و باور ما تنها در ساحتِ نظر و

اندیشه باقی بماند فانی خواهد بود ولی...

تاریخ این بار نه در کلاس های درس دانشگاه بلکه در خرابه

های غزه و لبنان این درس را آموخت که ساحت عمل و نظر

نه متواپی بلکه مشکک است... مقاومت از اندیشه آغاز می‌شود

و در بالاترین مرتبه خود به شهادت می انجامد...

به عبارت دیگر رمز جاودانه شدن، آن است که تبلور اندیشه و

اعتقاد قلبی ما در ساحت عمل نمایان شود.

روح صدرای بزرگ متعالی که این چنین مفهوم تعالی را به ما

آموخت؛ آری تعالی همین است

تشکیک نظر و عمل و درک این نکته همان درک خواندن هر

روز زیارت عاشوراست و این دیگر نطق به معنی بیان عقل

انسانی نیست...

بلکه تحقق عقل انسان است.

یا لیتنی کنت معکم

ایمان قلبی شرط پیروزی

فاطمه آشتیانی

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی



هیچ موفقیتی بدون استقامت به دست نمی‌آید و در این راستا قرآن کریم در سوره‌ی هود به پیامبر اکرم(ص) و جامعه اسلامی دستور مقاومت داده است. ^۱ پیامبر اکرم(ص) در روایتی در باب این آیه فرمودند: "سوره‌ی هود مرا پیر کرد." به جهت نگرانی ایشان از دستور آیه بر استقامت امت. ^۲ که این گواهیست بر ضرورت پایداری فردی و اجتماعی در مسیر تحقق آرمان‌های دین و پیروزی جبهه‌ی حق.

پس اهل ایمان برای حفظ و اعتلای جامعه‌ی اسلامی، علاوه بر جهاد با دشمن (اعم از خارجی و داخلی) بایستی متوجه موانع داخلی(امت اسلامی) باشند. اندوه نسبت به گذشته و خسارات و صدمات و ابتلائاتی که در مسیر مقاومت بر مجاهدین و جامعه‌ی اسلامی وارد گشته و همچنین وحشت از هزینه‌ها و شکست‌های آینده از عمده‌ی آفات استقامت و مایه‌ی سستی و یأس امت است.

ریشه‌ی این اندوه و ترس و ناامیدی خطای محاسباتی است. اگر منشاء تصمیم و اقدام، عقل سلیم دنیایی باشد، فرد و جامعه متأثر

از احساسات نفس دنیازده و مرعوب جلوه‌ها و بزرگی‌های مادی و ظاهری شده، توان اطاعت امر استقامت را از دست می‌دهند. به بیان روشن قرآن کریم، در صورت ایمان قلبی است که بدون ترس و اندوه پیروزی و برتری با مجاهدان. ^۳

پس آن منبعی که عوامل ترس و اندوه را از محاسبات ما زدوده و امید استقامت‌افزا را در فرد و جامعه‌ی مسلمان برای مقابله با مستکبرین زنده می‌کند ایمان قلبی به وعده‌های حضرت حق و کلام وحی است. لذا امروز که حق و باطل بارزتر از همیشه در تقابل و تنازع قرار گرفته‌اند، ضرورت تبیین مبانی و جوانب مقاومت در کلام الهی، در راستای استحکام ایمان و به تبع آن تقویت پایداری امت اسلام از همیشه روشن‌تر است و امید است صاحبان قلم و فعالان متعهد عرصه علم و فرهنگ، نسبت به این امر اهتمام ویژه بورزند.

مجاهد مؤمن نمی‌ترسد و سست و اندوهگین نمی‌شود. چون ایمان دارد در پی رضایت خداوند رتوفی است که به پیروزی یا شکست اجر عظیم می‌دهد. ^۴ در عوض جان‌هایی که در راهش داده شده حیات و رزق جلودان می‌بخشد. ^۵ زیرا ایمان دارد آنچه پیش روی اوست نیکویی است، شهادت یا پیروزی و چیزی را از خدایش امید دارد که

دشمن امید ندارد. ^۶

"اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تَبَاشُرُ بِهِ قَلْبِي، وَيَقِينًا صَادِقًا، حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كُنْتُ لِي، وَرَضَنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ". ^۸

پاورقی

- ۱- فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَ مِنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْفُوا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ(هود/۱۱۲)
- ۲- علم اليقين ج ۲ ص ۹۷
- ۳- وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ(آل عمران/ ۱۳۹)
- ۴- فَلْيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَ مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا(النساء/۷۴)
- ۵- وَ لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ(آل عمران/ ۱۶۹)
- ۶- قُلْ هَلْ تَرْضَوْنَ بِنَا إِذَا إِجْدَى الْحُسَيْنِيْنَ وَ نَحْنُ نَرْضَى بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرْصَبُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُرْتَضَوْنَ(التوبه/۵۲)
- ۷- وَ لَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْمِنُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْمِنُونَ كَمَا تَأْمِنُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا(النساء/ ۱۰۴)
- ۸- دعای ابوحمزه ثمالی: خدایا ایمانی از تو می‌خواهم که دلم با آن همراه شود و باور صادقانه‌ای که بدانم هرگز چیزی به من نمی‌رسد، مگر آنچه که تو برایم ثبت کردی و مرا از زندگی به آنچه که نصیب فرمودی خوشود بدار، ای مهربانترین مهربانان.



گیاه_نباشیم

من خیلی سعی کردم نشانی از روح در زندگی ام، در خودم پیدا کنم اما نتوانستم! با خودم فکر کردم کجا توانسته‌ام شرایطی تغییر دهم یا محیی راه درستی باشم؟ ما فلسفه‌خوانده‌ها معتقدیم مجردات، مرتبه پایین‌تر از خود را ایجاد می‌کنند، پس نفس مجرد ایجاد کننده من کو؟ چرا اینقدر منفعلم؟ ناسلامتی انسانم!

حس می‌کردم موجودیتم توی باتلاق عدم دست و پا می‌زند. انسانی که روح ندارد که انسان نیست! تیر خلاص، فردا صبح توی تلویزیون، اول به چشمم بعد هم به ذهنم خورد. وقتی کشاورز چینی، هندوانه مربع شکلش را جلوی دوربین گرفت و لبخند رضایتش شکفت. او برای گزارش‌گر توضیح داد که وقتی هندوانه کوچک است آن را درون جعبه مربع شکل می‌گذارد و هندوانه بزرگ و بزرگتر میشود و شکل جعبه را به خود می‌گیرد.

همانجا بود که من فهمیدم چقدر هم قد و قواره شرایطم شده‌ام! حالا روحم را پیدا کرده بودم، روحی که به اندازه هندوانه بود ولی باید رشد می‌کرد و آن جعبه مربعی شکل را میشکست...



پس سعی کردم بر خلاف روحیه گیاهانه (!) خود عمل کنم. مثلا وقتی عصبانی می‌شدم مدام تکرار میکردم که نباید گیاه باشم و سعی می‌کردم نگذارم شرایط رفتارم را تعیین کند.

اگر حقیقتی کتمان یا انکار میشد با وجود توهین‌ها سعی می‌کردم احیاگرش باشم؛ دوست نداشتم گیاهی بی دست و پا جلوه کنم.

"گیاه نبودن" رفته رفته شده بود ایدئولوژی من!

بعدها وقتی رویداد جهانی طوفان الاقصی اتفاق افتاد و اکثرا یک "چرا"ی غول‌پیکر در ذهن‌شان شکل گرفت و سوال "مگه غزه‌ای‌ها نمیدونستن اسرائیل صد برابر تلافی میکنه؟" ذهن‌شان را درگیر کرده بود، من جوابش را می‌دانستم.

میفهمیدم که غزه سراسر روح شده، حصر شرایطش را شکسته و موجودیتش را اعلام همگانی کرده است. در کنار اعلام موجودیت، غزه یک چیز را هم به رخ جهانیان کشیده؛ ایدئولوژی! همان که فقدان انسان را به لجن کشیده و مقاومت حرکتش را از او می‌گیرد و به وسیله آن معنا می‌شود.

سیده معصومه فقیه
دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و
حکمت اسلامی



"مامان ما بدون روح عروسکیم، مگه نه؟"
این سوال زهرای هفت ساله من بود که پرریوز، سر سفره شام، یک‌دفعه از ذهنش، به زبانش رسید.

من بودم و زهرا و خواهرش فاطمه. من همیشه از روح و رشدش برایشان گفته بودم ولی هیچگاه واژه "روح" را به زبان نیاورده بودم.

برای همین با سوال مستقیم "مامان ما بدون روح عروسکیم مگه نه؟" چشمانم گرد شد.

بهترین شروع برای این گفت و گو سوال همیشگی "تو چی فکر میکنی؟" بود، پس پرسیدمش.

زهرا گفت: "به نظرم ما بدون روح عروسکیم. مثلا من الان فیلی (عروسکش) رو بزنم اون دردش نمیگیره."

از تمثیل او خیلی خوشم آمد! خودم هیچ‌وقت "مُرده شبیه عروسک است" به ذهنم نمی‌رسید.

با لبخند گفتم: "منم با تو هم نظرم."

فاطمه پنج ساله پرسید: "کیا روح دارن؟"

زهرا هم بلافاصله گفت: "هر چیزی که حرکت میکنه." بحث داشت جالب‌تر میشد.

سعی کردم بحث را با سوالی کامل کنم:

"میدونستین گیاه‌ها هم روح دارن؟"

فاطمه پرید وسط حرفم: "ولی اونا که جایی

نمیرن"

لبخند زدم: "آره ولی رشد میکنن. وقتی

قدشون بلند میشه یعنی حرکت کردن.

چون روحشون کوچیکه همینقد میتونن

حرکت کنن."

زهرا ایندفعه با هیجان پرسید:

"مامان روح ما چقدره؟"

گفتم: "روح ما آدم‌ها از همه روحا قوی‌تر و

بزرگتره."

اما یک دفعه وقتی فاطمه پرسید:

"مامان روحمون کجاست؟" از ذهنم پرید

که: "روح تو خود تویی!"

و به نظرم جوابم برای بچه پنج ساله خیلی

بزرگانه بود، سریع بیچاندمشان که "راستی

شب قراره یه قصه باحال براتون تعریف کنم

اگر گفتین چیه؟"

وقتی شب فرارسید و بچه‌ها را خواباندم،

یک‌سره گفت و گویمان برایم تداعی میشد

و صدای فاطمه پنج ساله رهایم نمی‌کرد:

روح ما کجاست؟